

## جایگاه تحزب در اسلام

ایوب دامیار \*

محمد رحیم عیوضی \*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۵/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۱۵

### چکیده

با توجه به اینکه از یک سو، گروهی عقیده دارند تحزب در اسلام و دولت اسلامی، مایه ی تشتت و تفرقه و تضارب آرا گشته و در صفوف مسلمین رخنه و شکاف ایجاد می کند و این بر خلاف دستور قرآن کریم است که به فشرده بودن صفوف مسلمین دستور داده است. اینها برای اثبات ادله ی خود به این آیه «واعصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا» به ریسمان ناگسستگی الهی (وحدت برادی اسلامی) چنگ بزنید و از هم میپاشید (آل عمران/۱۰۳) استناد می کنند. و از سوی دیگر، احزاب سیاسی در جوامع حاضر به عنوان حلقه رابط مردم و حاکمیت از اهمیت بسیاری برخوردار می باشند، و یک نوع رابطه ی دو سویه میان احزاب سیاسی و دموکراسی برقرار است. در این پژوهش سعی بر آن است که با توجه به ادله های دینی و فقهی، صرف نظر از اینکه حزب سیاسی از مبانی لیبرالیسم و دموکراسی غربی است، به تبیین نظرگاه دین و تعالیم اسلامی در زمینه مسئله و موضوع حزب که یکی از مسائل جدید دینی است، پرداخته شود. لذا سوالی که در این پژوهش پاسخ داده می شود، این است که تحزب در اسلام از چه جایگاهی برخوردار است؟ همچنین در پاسخ به این سوال، این فرضیه مطرح شده است که: تحزب در اسلام، ضمن دارا بودن مبنای فقهی، به صورت مشروط و مقید پذیرفته شده است.

### سپهر سیاست

سال سوم

شماره دهم

زمستان ۱۳۹۵

کلیدواژه‌گان: احزاب سیاسی، اسلام، تحزب، دموکراسی لیبرالیسم.

\* نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی ارشد، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

رایانامه: ayoob.damyar@yahoo.com

\*\* استادیار گروه معارف اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

## مقدمه

در جامعه بنیان یافته بر اساس موازین و معیارهای دینی، منابع دینی از مهم ترین راههای شناخت و آگاهی شمرده می شود. در جهان بینی دینی، اصول و مفاهیمی در ابعاد مختلف زندگی مطرح شده که عمل به این اصول و بزرگداشت آنها، بدون بررسی و شناخت مفاهیم سیاسی دین و مشخص نمودن چارچوب، محتوا و معانی آنها امکان پذیر نیست. از سوی دیگر، با تحولات و دگرگونی جوامع، پدیده های جدیدی بوجود می آید که جزء ((مسائل مستحدثه)) است که در دین به طور مستقیم به آنها پرداخته نشده است، در حالی که خواه ناخواه با آنها روبه رو می شویم و ناچار به پذیرش یا نپذیرفتن آنها خواهیم بود. لذا برای بررسی جایگاه حزب در اسلام، با تأکید بر سه مقوله ی موقعیت، وضعیت و ظرفیت اسلام برای پیاده کردن حزب در نظام اسلامی به دنبال یافتن پاسخ سوال اصلی پژوهش هستیم. همچنین سعی بر آن است که برای قوام بخشیدن به سوال اصلی (حزب در اسلام از چه جایگاهی برخوردار است؟) تبیین شود که آیا اساساً حزب در جامعه ی اسلامی یک مسئله است؟ و اگر مسئله است، آیا با ارجاعات دینی، دین می تواند به حل کردن آن پردازد؟ و بالأخره اینکه، چه نوع حزبی در جامعه ی اسلامی پذیرفتنی است؟ همچنین در پاسخ به سوال اصلی، این فرضیه مطرح شده است که: حزب در اسلام، ضمن دارا بودن مبنای فقهی، به صورت مشروط و مقید پذیرفته شده است.

حزب سیاسی در تعاریف جدید؛ جمعیتی سازمان یافته و در درون یک نظام سیاسی است که بر اساس عقیده و مرام نامه ای مشترک، به صورتی قانونی برای کسب و به کارگیری قدرت سیاسی و اجرای دیدگاه ها و اهداف خود، تلاش و مبارزه می کنند. تاریخچه ی احزاب و حزب امروزی، با تاریخچه ی دموکراسی های غربی جدید و معاصر، همزاد و همپیوند است زیرا که حزب از سازوکارهای اصلی اینگونه دموکراسی ها به شمار می رود و با سایر مؤلفه ها و سازوکارهای این نوع نظام اندیشه ای و مدیریتی، ارتباطی تنگاتنگ دارد (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸: ۱۲۰).



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست

سال سوم  
شماره دهم  
زمستان ۱۳۹۵

## حزب

حزب کلمه ای عربی است که در فارسی به کار رفته است.

### حزب در عربی

المنجد: ((جماعة من الناس و كل قوم تشاكت قلوبهم و أعمالهم، فهم احزاب)) گروهی از مردم که حرف ها و دل هایشان با هم یکی شده است. (بادام چیان، ۱۳۸۸: ۳۳).  
قاموس قرآن: (جماعتی) که وحدت عقیده و هدف در آن ملحوظ است.

### حزب در فارسی

فرهنگ عمید: گروهی از مردم که دارای سبک خاصی هستند.  
در میان تعاریف متعدد احزاب سیاسی گویا تعریف زیر، تعریف جامع تری است: ((احزاب سیاسی گروه هایی از افراد جامعه هستند که با وحدت نظر به برخی اصول و داشتن اهداف مشترک، در سازمانی با عنوان حزبی متشکل شده، از طریق شعبه ها و قسمت های مختلف با یکدیگر ارتباط متقابل و مستمر دارند و می کوشند تا برای رسیدن به اهداف و اجرای اصول مورد نظر، حکومت را در دست بگیرند)) (رشیدی، ۱۳۸۷: ۱۰۰).

### نسبت دین و پدیده های نوین

به طور کلی باید گفت که مفاهیم و مبانی دینی به ((شکل مستقیم)) به پدیده های نوین مربوط نمی شوند. در عین حال، باید اذعان نمود که پدیده های مدرن همانند هر مسئله ی مستحده ای در برابر دین قرار می گیرد، و چاره ای جز پذیرش یا رد آنها وجود ندارد. پس:

**اولا:** مبانی فقهی - کلامی هر چند مستقیماً به پدیده های نوین مربوط نمی شوند؛ ولی می تواند نوعی سازگاری و تلائم (یا عدم سازگاری و عدم تلائم) با آن پدیده ها داشته باشد. دین دارای پیش فرضها، مبانی، ارزشها و احکامی است که به شکل غیرمستقیم می تواند با پدیده ای نوین، سازگار یا ناسازگار باشد. به طور

جایگاه تحزب  
در اسلام  
(۷ تا ۳۲)

مثال، می توان گفت: عقل گرایی و اعتقاد به مسئولیت فردی و اختیار، با اندیشه های آزادی خواهانه، و اخباری گری و اعتقاد به جبر، با اندیشه های توتالیتر سازگار است.

**ثانیا:** دوگانه بودن دین و مدرنیسم، مانع از استخراج احکامی جدید در خصوص پدیده ها و امور مستحدثه نیست. دین غیر از مدرنیسم است؛ ولی در عین حال ممکن است به ازدواج میمون آنها و پدید آمدن فرزندى مشروع از ایشان معتقد شویم. صرفاً جهت تشبیه، می توان گفت کلر غیر از سدیم است؛ ولی آن دو در ترکیبی شیمیایی می توانند موجود سومى به نام نمک طعام را پدید آورند که خصوصیات کلر و سدیم را ندارد، حزب به عنوان پدیده ای نوین ممکن است در نظام دینی از عوارض خاص خود جدا شده و هویتی جدید پیدا کند. (حقیقت، ۱۳۷۷: ۸).

بر اساس فرهنگ دینی حزب ارزش در خود نیست؛ بلکه وسیله نیل به اهداف برتر و تحقق الگوی آرمانی جامعه دینی است. هم چنان که در مسئله ی آزادی نیز اسلام به همان میزان که بر ((آزادی از)) تأکید دارد، به دنبال آن است تا ((آزادی بر)) را در راستای ارزش های متعالی تحقق بخشد (براتعلی پور، ۱۳۸۹: ۳۲۵).

بر اساس آموزه های سیاسی اسلام (شیعی)، ویژگی منتقدانه افراد و به همین ترتیب گروه های سیاسی، جایگاه برجسته ای به آنها می بخشد. امیرالمؤمنین (ع) به حاکمان سفارش می کند: ((و آن کس را بر دیگران بگزین که سخن تلخ حق را به تو بیشتر بگوید و در آنچه کنی یا گویی و خدا آن را از دوستانش ناپسند دارد کمتر یاریت کند))<sup>۱</sup> (همان: ۳۵۶).

با نگاهی به متون دینی در می یابیم که اسلام، هیچ گونه منعی در تشکل و حرکت جمعی ندارد و جز در مواردی که امکان کار جمعی وجود ندارد و کار باید فردی انجام شود، در سایر موارد توصیه ای به حرکت انفرادی ندارد.

۱. ولیکن اترهم عندک اقولهم بمر الحق لک و اقلهم مساعده فیما یکون منک مما کره الله لاولیائه واقعاً ذالک من هواک

حیث وقع؛ نهج البلاغه؛ نامه ۵۳.



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست

سال سوم  
شماره دهم  
زمستان ۱۳۹۵

بر اساس بعضی از برداشت های مطرح درباره ی تحزب از دیدگاه اسلامی، اسلام حزب را در معنای مشخص به صورت ابزار کار محدود قبول دارد، نه تعدد احزاب و مرامنامه ها و برنامه های خاص آنان را. اگر قرار باشد در جامعه ی اسلامی، حزب، اکثریت پارلمان را به دست آورد و مخالف احکام اسلامی عمل نماید، از دیدگاه اسلامی، چنین حزبی نامشروع و مفسد است. خلاصه آنکه تحزب در اسلام ممنوع نیست، بلکه احزابی که ممنوع هستند، احزاب کافر هستند. بر اساس پیش اسلام، تمام پدیده ها و جبهه ها به دو جناح حق و باطل تقسیم می شوند. (مجموعه مقالات تحزب و توسعه سیاسی (۲)، تحزب در ایران، ۱۳۷۸: ۱۰۷).

در قرآن کریم آیاتی دیده می شود که در آنها به اموری توصیه شده است که به انجام رساندن صحیح آنها جز با داشتن تشکل و تشکیلات امکان پذیر نیست. به عنوان نمونه آیات ۱۹ تا ۲۲ سوره مجادله، آیه ۵۶ سوره مائده و همچنین آیه ۶ سوره فاطر با معرفی حزب الله، ویژگی های خاصی برای این تحزب بیان نموده و آن را رستگار، ((مفلح))، پیروز و ((غالب)) می داند. خداوند متعال در این آیات نحوه ارتباط تشکیلاتی این جمع را شرح داده و می فرماید ((وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ)).

در این آیات کلمه ((حزب)) به صورتی آشکار بر نوعی از اقسام تشکل اشاره دارد و خدای متعال با نسبت دادن این تشکل به خود، آن را تأیید نموده است و همین انتساب حزب به خدا و تعریف آن در قرآن کریم، دلیل بر تأیید تحزب الهی بوده است (بادام چیان، ۱۳۸۹: ۶۰-۶۲).

جایگاه تحزب

در اسلام  
(۷ تا ۳۲)

احزاب معتقد به ارزش های دینی و الهی (به شرط عدم تحریف دین) بر اساس ارزش های خدایی شکل می گیرند و عمل می کنند. تحزب اسلامی در مبانی معرفت شناسی، جهان بینی، هستی شناسی، انسان و جایگاه انسان در مسیر خلق و تکوین و حضور در عالم هستی جدای از مبانی احزاب غیر دینی (سکولار و لائیس) است.

غرب در مبانی تحزب به اصالت سود انگاری و منفعت مادی می اندیشد. لذا تحزب در غرب ابزاری برای دستیابی به قدرت برای برآوردن خواسته های مادی،

امیال نفسانی و غرایز بشری است. بر عکس، دین بویژه دین اسلام می تواند انسان را در برابر خدای متعال که مظهر همه خوبی ها، ارزش ها و زیبایی هاست متعهد سازد (موسوی، ۱۳۸۲: ۱۱۶).

از آیات قرآن سه نوع حزب را می توان به دست آورد:

۱. حزب الله؛ حزبی که ((خدا محور)) است.
۲. حزب الشیطان؛ حزبی که ((شیطان محور)) است.
۳. حزب های بینابین که حزب الله نیستند، حزب الشیطان هم نیستند و حزب ((خود دیدگاه محور)) می باشند (همان، ۱۱۹).

### وضعیت حزب در اسلام

با نگاهی گذرا به روند تاریخی و به خصوص مقاطع حساس معاصر، به روشنی می توان اهمیت تشکیلات و نقش تاریخ ساز آن را در هدایت و حفظ مسیر صحیح تحولات اجتماع دریافت.

ساختار کلی اسلام به گونه ای است که مخاطب تعالیم، احکام و آموزه های آن تمامی بشر است. در حوزه ی اجتماعیات و سامان یافتن زندگی دنیوی انسان، دین اسلام، رویکرد تک خطی و یک سو نگر نسبت به قشر خاصی از انسانها، یعنی مسلمانان ندارد. آیه ی ۷۰ سوره ی شریفه ی اسراء<sup>۱</sup> کل گرای، و جامعیت اسلام را نسبت به تمام بشر به خوبی بیان می کند (بهر روز لک، شفایی، ۱۳۹۰: ۷).

کلمه حزب به معنای لغوی آن در قرآن کریم هم به صورت جمع و هم به صورت تعدد به کار رفته و هم به صورت مفرد و مصداق واحد آمده است. در یازده مورد با لفظ جمع و در اشاره به باندهای قدرت در برابر اسلام و دین حق به کار برده شده و در هشت مورد با لفظ مفرد - حزب - و یک بار نیز با تعبیر - حزبین - آمده است (براتعلی پور، ۱۳۸۹: ۲۵).

از اول اسلام تا دوران حکومت های اسلامی حزب وجود داشت، پیغمبر (ص)

۱. وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَي كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست

سال سوم  
شماره دهم  
زمستان ۱۳۹۵

مسلمان هایی که در مکه به ایشان پیوستند، در حقیقت حزبی را بوجود آوردند، که تشکیلاتی، حزبی و زیرزمینی کار می کردند، بعد هم که اسلام ظهور کرد دعوت پیامبر به شکل حزبی بود (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸: ۱۱۱).

با قاطعیت می توان گفت فقدان یا ضعف تشکیلات اسلامی در طول تاریخ معاصر کشورهای اسلامی، بزرگ ترین عامل عقب ماندگی ها و مهم ترین دلیل انحراف و یا بی نتیجه ماندن نهضت های اسلامی بوده است؛ که کار تشکیلاتی عناصر مزدور یا وابسته به استعمار و دشمنان اسلام در این عقب ماندگی تأثیر داشته است.

در اجتماعات بشری هیچ حرکت مؤثر و کارسازی را نمی توان یافت مگر اینکه تعدادی از افراد هم جهت، هم هدف و هم فکر دور یکدیگر جمع شده و برنامه تنظیم شده ای را از نقطه معینی به قصد رسیدن به اهدافی مشخص، آغاز کرده اند. البته بسیار اتفاق می افتد که همین افراد هم هدف، پیش از آنکه یکدیگر را بشناسند، هر کدام جداگانه اقداماتی را برای رسیدن به آن اهداف آغاز کرده اند. اما تجربه نشان داده است که این اقدامات گاه در جهت خنثی کردن اقدامات همدیگر بوده است. حرکت های اسلامی هم از این قانون کلی مستثنی نیستند که باید علاوه بر رهبری شایسته، توسط جمع های هم هدف و هم جهت دنبال شوند تا به پیروزی برسند (بادام چیان، ۱۳۸۸: ۴۴-۴۳).

به هر حال تشکیلات، ابزاری سرنوشت ساز است که متعهدان و معاندان آن را برای اهداف خویش به کار برده و می برند و تنها هوشیاری و ایجاد تشکل های مردمی خالص و شایسته است که می تواند توده های مردم را منسجم و حرکت های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی را ((همه مردمی)) نماید.

در زمان رسول اکرم (ص) این طور نبود که فقط قانون را بیان و ابلاغ کنند؛ بلکه آن را اجرا می کردند. رسول اکرم (ص) مجری قانون بود. مثلاً قوانین اجرایی را اجرا می کرد: دست سارق را می برید، حد می زد، رجم می زد. خلیفه هم برای همین امور است. خلیفه قانون گذار نیست. خلیفه برای این است که احکام خدا را که پیامبر اکرم (ص) آورده اجرا کند. اینجاست که تشکیل حکومت و برقراری دستگاه اجرا و اداره لازم می آید.

جایگاه تحزب

در اسلام

(۷ تا ۳۲)



سنت و رویه ی پیامبر اکرم دلیل بر لزوم تشکیل حکومت است. زیرا: اولاً خود حکومت تشکیل داد. و تاریخ گواهی می دهد که تشکیل حکومت داده، و به اجرای قوانین و برقراری نظامات اسلامی پرداخته و به اداره ی جامعه برخاسته است:

- والی به اطراف می فرستاده؛ به قضاوت می نشست، و قاضی نصب می فرموده، سفرایی نزد قبایل و پادشاهان روانه می کرده، معاهده و پیمان می بسته، جنگ را فرماندهی می کرده و خلاصه احکام حکومتی را به جریان می انداخته است.

- ثانیاً، برای پس از خود به فرمان خدا تعیین «حاکم» کرده است. وقتی خداوند متعال برای جامعه ی پس از پیامبر اکرم (ص) تعیین حاکم می کند، به این معناست که حکومت پس از رسول اکرم (ص) نیز لازم است. و چون رسول اکرم با وصیت خویش فرمان الهی را ابلاغ می نماید، ضرورت تشکیل حکومت را می رساند (امام خمینی، ۱۳۴۸: ۳۰).

برخی از آیات بیانگر هدف ها و آرمان هایی است که تنها در پرتو وجود حکومت اسلامی به دست می آیند مانند آیه هایی که خواهان برقراری قسط و عدل در جامعه اند و ظلم را رد می کنند مانند: لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط.

در برخی از آیات قرآن دستوراتی آمده است که گرچه هر فرد به تنهایی می تواند آن را انجام دهد، لیکن انجام آن به طور فردی هدف قانون گذار یعنی خداوند را تأمین نمی کند و بدون تحقق حکومت اسلامی این آیات امکان ندارد. از جمله: یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا الکافرین اولیاء من دون المؤمنین. (موسوی، ۱۳۸۲: ۳۸).

### موقعیت ویژه ی حزب در اسلام

حزب باید از جنس محیط باشد، بنابراین در اسلام آن حزبی پذیرفتنی است که در یک محیط اسلامی رشد و نمو پیدا کند و در چارچوب موازین اسلامی برای پیش برد اهداف اسلام تلاش کند. گرچه امروزه حزب را یک مقوله ی غربی می دانند ولی باید کاری کرد با استفاده از تجربیات آنان، حزب از جنس محیط غربی را به یک محیط اسلامی تبدیل کنیم.



آقای دکتر ایزدی در خصوص مسئولیت و نقش احزاب در نظام مردم سالاری دینی معتقد است نگاه غرب به انسان، نگاهی ابزارری و بر اساس منافع دنیوی است و انسان را موجودی تک بعدی [دنیوی محض] می داند؛ اما اسلام انسان را دارای کرامت، حقوق معنوی و قابلیت رشد نامحدود می داند و به او نگاه ابزارری ندارد؛ لذا نظام مردم سالاری دینی به جای اخذ مبانی دموکراسی غربی، برای فهم حقوق انسان ها به دین مراجعه می کند و دین علاوه بر جنبه های فردی، کارکردهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نیز دارد.

آموزه های شریعت و مبانی اسلام، ضمن تأکید بر وحدت ملی و جلوگیری از تنازع و تفرقه سیاسی - که منشأ تضعیف ملت و امنیت کشور می گردد - و همچنین نفی هر گونه فریب کاری و ارزش نهادن به آزادی و کرامت انسان و همین طور برای جلوگیری از رکود سیاسی بر مشارکت سیاسی مردم با مکانیزم های مختلف، از جمله امر به معروف و نهی از منکر، حق انتقاد، حقوق متقابل حاکم اسلام و مردم، نظارت قانونی مردم بر عملکرد هیئت حاکمه و غیره تأکید فراوان نموده است. بنابراین فعالیت احزاب و تشکل های سیاسی در جامعه اسلامی مشروط به امور ذیل است:

- اول، احزاب سیاسی به اصول عقاید اسلامی و احکام و ارزش های شریعت ایمان داشته باشند و بر اساس آیه «ان الدین عندالله اسلام» و «من یتغیر غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه» (آل عمران، ۸۵) نباید از آموزه های اسلام عدول نمایند.

- دوم، همکاری و مودت احزاب و گروه های سیاسی در جامعه اسلامی با گروه و جمعیت های غیر اسلامی جایز نیست چنان که این آیات شریفه بر این مهم اشاره دارند. «یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا البهود و النصارى اولیاء بعضهم اولیاء بعض و من یتولهم منکم فانه منهم ان الله لا یهدى القوم الظالمین» (مائده، ۵۱) و آیه یا اَیُّهَا الَّذِیْنَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا اَبَآءَکُمْ وَ اِخْوَانَکُمْ اَوْلِیَاءَ اِنْ سَتَّخَبُوا الْکُفْرَ عَلَی الْاِیْمَانِ وَ مَنْ یَتَوَلَّهُمْ مِنْکُمْ فَاُولَئِکَ هُمُ الظَّالِمُونَ (توبه، ۲۳).

- سوم، مبارزه احزاب و گروه های سیاسی اسلامی، با اندیشه ها و گروه هایی که در راستای دور کردن اسلام از عرصه زندگی سیاسی و اجتماع تلاش می کنند و در صدد جریان سازی احکام و قوانین سکولار در جامعه دینی هستند، نیز از شرایط و

جایگاه تحزب

در اسلام

(۷ تا ۳۲)

وظایف لازم احزاب سیاسی، در جامعه اسلامی است و آیات: *وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ* (مائده، ۴۷)، *وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ* (مائده، ۴۵) دلالت بر این وظیفه می‌کنند.

### ظرفیت های دین اسلام برای پیاده کردن تحزب در نظام اسلامی

گرچه اسلام به طور مستقیم به پدیده ی حزب نپرداخته است و نمی توان آن را به صورت مستقیم رد یا تأیید کرد ولی به نظر می رسد در دین اسلام ظرفیت هایی وجود دارد که می تواند در مواجهه با حزب به عنوان یک پدیده ی نوین و مدرن، سازگاری داشته باشد.

از راهکارهای قطعی استیفای حقوق مردم، مراجعه به نظرات و آرای آنان است. در تفکر دینی، مردم به معنای واقعی در سرنوشت خود نقش دارند و مقدرات خود را رقم می‌زنند. آنان می‌توانند با استفاده از حق تکوینی خود، بالاترین حقیقت و عالی‌ترین حقوق خود را در عرصه حکومت بپذیرند یا کنار گذارند. دین اسلام همواره مردم را به مشارکت و همکاری در امور سیاسی و اجتماعی دعوت کرده است، و از ابتدا نیز طرفدار تشکل بوده است. اگر بخواهیم به مصداق این امر پی ببریم باید به چگونگی پیاده کردن پدیده ی مشارکت سیاسی در اسلام اشاره کرد.

منظور از مشارک مردم، این است که خداوند متعال تعیین سرنوشت جمعی را به خود انسانها تفویض کرده است. یکی از آزادی هایی که انسانها به حکم فطرت و عقل و شریعت دارند، حق تعیین سرنوشت جمعی است (عمید زنجانی، ۱۳۷۷: ۲۹). هر فرد علاوه بر اینکه می تواند سرنوشتش را با اراده و تدبیر خود تعیین کند، یک حق انتخاب، حق مشارکت و آزادی دیگری هم دارد و آن این است که با مشارکت و همسویی دیگران بتواند نقشی در تعیین سرنوشت جمعی داشته باشد. اگر بشر را موجودی فطرتاً اجتماعی بدانیم، شاید مجبور به اقرار شویم که انسان، به تبع اجتماعی بودنش، باید سیاسی هم باشد؛ چرا که تشکیل هیچ اجتماعی بدون تدبیر امور و ادره ی آن ممکن نیست. از طرف دیگر، شاید غیر عقلی و ناعادلانه باشد که به انسان بگوییم موجودی اجتماعی باش و در اجتماع زندگی کن اما در سرنوشت اجتماعی خود دخالتی نداشته باش. بر اساس نظریه ی عدل، خداوند



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست

سال سوم  
شماره دهم  
زمستان ۱۳۹۵

حکیم، انسان را در زندگی سیاسی خود آزاد گذاشته و قدرت اراده و خلق افکار سیاسی به او داده و بر اساس ملاک هایی که عمدتاً ناشی از حسن و قبح عقلی افعال است، انسان را مسئول اعمال و کردار سیاسی خود کرده است (کلاتری و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۷).

لذا در اینجا با توجه به مؤلفه های مشارکت سیاسی در اسلام، به تبیین رویکرد و ظرفیت های اثباتی دین اسلام نسبت به تحزب می پردازیم:

۱. **شورا:** به مفهوم تضارب آرا و اختبار از اصحاب خرد برای دست یابی به رأی صواب تر و مناسب تر، یکی از نمودهای رقابت سیاسی است. مقایسه ی شورا با مجلس نمایندگان و سیستم پارلمانی معاصر به وضوح، بستر سازی این مفهوم را برای رقابت سیاسی بیان می کند. یکی از نمودهای رقابت سیاسی در نظام پارلمانی و انتخاباتی، رقابت در تدوین استراتژی سیاسی و برنامه های اجرایی و تقنینی است که احزاب و فراکسیون های مختلف هر یک برای به تصویب رساندن دیدگاه ها و مواضع شان با هم به رقابت می پردازند. شورا به عنوان یک آموزه ی دینی ناظر به چنین امری است که در فرآیند آن، تضارب آرا و افکار انجام می گیرد. در این فرآیند کلیه ی افراد و مجموعه ها می توانند با طرح دیدگاه های مختلف به دفاع از دیدگاه مورد نظر بپردازند. بنابراین، اصل دستور دینی شورا، چه در قالب یک فرمان لازم الاجرا یا یک امر راجح و استحبابی، می تواند مشارکت و رقابت سیاسی افراد در تصمیم گیری های سیاسی و شیوه های اجرای قوانین دینی و دستورات دولت اسلامی را به خوبی توضیح دهد (سجادی، ۱۳۸۲: ۸۵-۸۴).

جایگاه تحزب  
در اسلام  
(۳۲ تا ۳۷)

قرآن کریم که مهمترین و معتبرترین منبع برای دریافت احکام و موازین شرعی است، یکی از امتیارات جامعه ی اسلامی را حرکت و عمل بر پایه ی مشورت، تبادل نظر و تصمیم گیری جمعی دانسته و بر آن تأکید کرده است. در آیات متعددی بر ضرورت شورا توجه شده و بدان تصریح می شود از جمله: «... و در کارها با آنان مشورت کن». (آل عمران / ۱۵۹) «... و مؤمنان کارشان را با مشورت انجام می دهند». (شورا / ۳۸) در هر دو آیه به صراحت هر چه تمام تر، اصل شورا مطرح گشته و از پیامبر اکرم (ص) خواسته شده است تا در کارهای اجتماعی و تصمیم گیری های عمومی بر پایه ی شور و مشورت با دیگران عمل کند.

۲. امر به معروف و نهی از منکر: با توجه به آیات و روایات درباره در باب امر به معروف و نهی از منکر نه تنها مردم در دخالت در مسائل سیاسی، فرهنگی، . . . جامعه و حکومت تشویق شده اند، بلکه این حق و تکلیف شرعی قلمداد شده است. از طرفی امر به معروف و نهی از منکر که مرتبه عملی بدون استفاده از خشونت و زور بوده یک عمل سیاسی است، عملی که فردی نبوده و محدود به فعالیت در نظام سیاسی است. یکی از روش های متداول سیاسی معاصر ایجاد احزاب و سندیکا، انجمن ها و تشکیلات سیاسی است. لذا با وجود امر به معروف و نهی از منکر عملی تر می شوند. (مجموعه مقالات تحزب و توسعه سیاسی، ۱۳۷۸: ۱۵).

از واجبات مسلم الهی امر به معروف و نهی از منکر می باشد که از آن به عنوان نظارت عمومی یاد می کنند. از آنجایی که تمام افراد یک جامعه بسان یک پیکر هستند اعمال و رفتار هر یک از افراد، فراتر از خیر یا شر بودن بر دیگران تأثیر می گذارد لذا ضروری است که عموم افراد جامعه مواظب اعمال و رفتار یکدیگر باشند تا از انحراف و تباهی جلوگیری کنند. اهمیت این دو در شریعت اسلام تا جایی است که امام علی (ع) در این باره می فرماید: «همه اعمال نیک و جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر همانند قطره ای در برابر دریاست» (نهج البلاغه، حکمت ۲۷۴).

بر این اساس امر به معروف و نهی از منکر تنها در محدوده ی اعمال و رفتار فردی ناظر به رابطه ی خلق با خالق محدود نمی شود، بلکه شامل روابط اجتماعی افراد و تعامل اجتماعی و سیاسی در درون جامعه ی اسلامی نیز می شود. هر چند امر به معروف و نهی از منکر به عنوان دو فرع از فروع دین مطرح است، اما از نظر تأثیری که از مجموعه ی تعالیم دینی می گذرد، چنان وسیع است که بخش اعظم شریعت را در بر می گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۲۶۲).

۳. بیعت: از طریق بیعت می توان عنصر مشارکت را بیابیم زیرا از طریق بیعت نوعی معامله بین افراد جامعه با رهبر و امام انجام می گیرد و افراد اموال و امکانات خود را در اختیار رهبر می گذارند و رهبر هم متعهد می شود که مصالح آنان را تأمین کند (مجموعه مقالات تحزب و توسعه سیاسی، ۱۳۷۸: ۱۶).



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال سوم  
شماره دهم  
زمستان ۱۳۹۵

سال‌ها پیش از اسلام زمانی که اعضای قبایل و گروه‌های مختلف برای حفظ و دفاع از منافع و نظام قبیله‌ای احساس می‌کردند که نیاز به رئیس یا فرماندهی دارند، گرداگرد او جمع شده و پس از بحث و گفتگو و بیان شرایط، با دست دادن با او، وی را به عنوان رئیس قبیله انتخاب می‌کردند. این عادت که از آن به عنوان بیعت یاد می‌شود پیش از اسلام در میان اعراب مرسوم بوده و از رسوم است که در اسلام مورد تأیید و امضا قرار گرفته است. البته بیعت در اسلام به این معنا نیست که امام بدون انتخاب و پذیرش مردم واجد صلاحیت نیست بلکه به این معناست که «بدون پذیرش از طرف مردم، امامت امام واجد صلاحیت و انتخاب شده از جانب خدا عینیت پیدا نمی‌کند» (عمیدزنجانی، ۱۳۶۷: ۳۲۰).

بیعت، یکی از مظاهر آشکار آزادی سیاسی در اندیشه‌ی اسلامی است که از رهگذر اراده‌ی جمعی امت، تعامل میان حکومت و جامعه را به نمایش می‌گذارد. بیعت در صدر اسلام، دارای اهدافی بود که مهم‌ترین آن را می‌توان در محورهای چون: عضویت رسمی افراد و مجموعه‌ها در جامعه‌ی اسلامی، پیمان وفاداری برای شرکت در امر مهم و احراز و اثبات مقبولیت، تلخیص کرد (مصباح یزدی، ۱۳۷۶: ۳۱۶).

براساس نظریه بیعت که به نقش مردم در امر تصمیم‌گیری و انتخاب حاکم در چارچوب قانون تاکید دارد پایه‌های نظری مفهوم بیعت با اصول حاکم بر الگوی مشارکتی در یک نظام مردمی که ساختار حکومتی آن جمهوری است مناسب دارد (عیوضی، ۱۳۸۳: ۷۵). حال برای اینکه مشارکت سیاسی بتواند به صورت نهادینه عمل کند ما نیازمند به حزب هستیم. یکی از هدف‌های اصلی و مهم در تشکیل یک حزب مشارکت در امور سیاسی است. حزب از نگاه ارزشی یک نهاد مناسب برای شرکت و اثرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی به شمار می‌رود.

### رابطه فرهنگ اسلام با تکثرگرایی سیاسی

اسلام دین آزادی عقیده و عمل است. در اسلام انسان‌ها ((شدنی)) مستمر هستند و ((پویشی)) خودآگاه، و انتخابگری آزاد، که بر اساس قانون پروردگار، آزادی و اختیار دارند که شاکر کفور باشند. یکی از موارد مهم آزادی، آزادی انسان

ها در فعالیت های جمعی و گروهی، اعم از تشکیلاتی، ارتباطی یا رابطه ای می باشند. آزادی تحزب و تشکیل گروه های گوناگون از همین ((حق)) نشأت می گیرد (بادام چیان، ۱۳۸۸: ۱۸۶).

کثرت گرایی سیاسی به مفهوم تعدد مراکز قدرت سیاسی، مفهومی است که در اندیشه ی سیاسی غرب ظهور کرد و در بستر نظری و عینی جوامع غربی به رشد و توسعه ی خود ادامه داد. در یک تعریف نسبتاً جامع می توان گفت: پلورالیسم سیاسی بدان معناست که حاکمیت را نباید در یک گروه واحد، سازمان یا فرقه قرار داد، بلکه حاکمیت را باید در همکاری و وفاق چندین گروه جست و جو کرد. بنابراین تعریف، پذیرش حدأقلی از تکثرگرایی شرط ضروری هر نوع مشارکت سیاسی و رقابت افراد و گروه هاست که از رهگذر احزاب و جناح های سیاسی سامان می یابند. لذا، اگر عنصر اجتهاد در فقه اسلامی و انفتاح باب اجتهاد به مفهوم احترام به آرای افراد در فهم و استنباط مسائل شرعی و فروع شریعت مورد پذیرش قرار می گیرد، پذیرش تعدد آرا در زمینه ی امور عرفی و مسائل حکومتی به دلیل ماهیت عرفی بودن آن از زمینه های مناسب تری برخوردار است. بنابراین، اصل خطای در اجتهاد، استنباط سیاسی افراد و دست اندرکاران مسائل سیاسی را نیز در معرض خطا پذیری و انتقاد قرار می دهد. و همین امر به پذیرش سطحی از تکثرگرایی سیاسی در فرهنگ سیاسی اسلام - حدأقل در اندیشه ی شیعی - اشاره دارد. از این رو، اندیشه ی سیاسی اسلام، ضمن پذیرش اصل خطای در اجتهاد، از هر نوع مطلق نگری و جزم اندیشی در حوزه ی مدیریت سیاسی جامعه اجتناب کرده، به آرا و نظریه های متفاوت و متکثر در جامعه ی اسلامی احترام می گذارد (سجادی، ۱۳۸۲: ۷۰-۶۹). از نظر فقهی، با توجه به اصل خطاپذیری در اجتهاد و نیز اختلاف نظر فقهی و فروع فقهی و موضوعات عرفی، در اسلام سطحی از تکثرگرایی اعتقادی و به تبع آن، تکثرگرایی سیاسی مورد توجه قرار گرفته است. در چارچوب نظام سیاسی و فقهی اسلام، روش های متفاوتی می توانند در جهت اجرایی شدن بسیاری از امور ارائه گردند. البته کثرت گرایی به مفهوم خاص غربی آن، در اسلام وجود ندارد و چنین توقعی نابجاست (صداقت، ۱۳۸۷: ۸۰).



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال سوم  
شماره دهم  
زمستان ۱۳۹۵

## نقش مردم در شکل‌گیری حکومت

از آنجا که یکی از ارکان اصلی احزاب، مردم هستند و مردم به احزاب نقش عملیاتی می‌دهند، لذا به نقش مردم در شکل‌گیری حکومت در نظام اسلامی می‌پردازیم و به دنبال این خواهیم بود که مردم از چه جایگاهی در نظام اسلامی برخوردارند:

در اسلام حکومت و حاکمیت از آن خداست و این حق از ربوبیت و هدایت الهی ناشی می‌شود و تنها کسی که از جانب خدا برای هدایت بشر فرستاده شده است حق حکومت و حکمرانی بر مردم را داراست. حکومت دینی بدون حمایت مردم توان تشکیل و استمرار ندارد به‌گونه‌ای که اگر بالاترین فرد معصوم - همانند امام علی (ع) - بر صدر آن قرار گیرد ولی مردم از پشتیبانی او و حکومتش سرباز زنند، چنین حکومتی کارآیی نخواهد داشت (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۲۱۱). در روند تشکیل و استقرار حکومت اسلامی، مردم از جایگاه والایی برخوردارند و در حقیقت برای تحقق مشروعیت حکومت در اسلام نیاز به رأی و حضور آزاد مردم است. حکومت در اندیشه امام علی (ع) امری کاملاً انسانی است و قدرت حکمرانی ناشی از حق حاکمیت مردم است. امام علی (ع) می‌فرماید: «ای مردم این امر (حکومت) امر شماست و هیچ‌کس جز آن که شما او را امیر خود گردانید حق حکومت بر شما را ندارد» (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۱۹۳-۱۹۴).

از آنجا که خداوند متعال انسان را آزاد، صاحب اختیار و مسلط بر ذات خویش آفریده، بنابراین انسان از حق تعیین سرنوشت برخوردار است و هیچ‌کس نمی‌تواند آزادی رأی و اختیار او را محدود کند و بدون رضایت او در مقدرات وی تصرف کند. امام علی (ع) می‌فرماید: «کسی که از روی اطاعت با من بیعت کرد پذیرفتم و کسی که از بیعت با من امتناع ورزید او را وادار به بیعت نکردم و رهائش ساختم» (ابواسحاق، ۱۳۷۱: ۳۲).

در اسلام مردم تنها محرک چرخ حکومت به حساب نمی‌آیند، بلکه همراه و همگام با حکومتند و تأیید و پشتیبانی آنان قوام و بقای حکومت را به دنبال دارد لذا نمی‌توان حکومت دینی را حکومتی دانست که به نیروی قاهر و تحمیلی متکی

است و بدون توجه به میل و خواست مردم سرنوشتی مجزا را برای آنان تعیین می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱۱۶).

به طور کلی از نظر عقل عملی و نظری تشکیل هر حکومتی ناچار به وجود دو عامل مشروعیت و قدرت است؛ متقاضی عقل نظری ایجاب می‌کند که حکومت دارای مشروعیت باشد و ضرورت عقل عملی وجود قدرت است؛ بنابراین حکومت بدون مشروعیت ظلم به حساب می‌آید و بدون قدرت حکومتی شکل نمی‌گیرد. پیرامون منبع قدرت در حکومت‌ها دو فرصیه مطرح شده است: اولاً حکومتی که بر اساس جبر تشکیل می‌گردد که این حکومت مطلوب نظر شارع مقدس نیست و آیات فراوانی از قرآن مجید حق اعمال حکومت بر اساس زور را نفی می‌نماید. برای نمونه در آیات ۹۹ یونس و ۲۵۹ بقره استفاده از قدرت مافوق ارده ی بشری جهت تأسیس حکومت را ناپسند می‌داند، ثانیاً قدرت حکومت خواه از نظر عقل عملی و خواه از منظر شارع مقدس در تشکیل حکومت اسلامی از ارده ی مردم سرچشمه می‌گیرد و اقتدار یک نظام حکومتی با پذیرش مردم امکان پذیر می‌گردد (صلاحی، فتاحی، ۱۳۹۲: ۱۰۶).

نقش مردم در مقام فعلیت بخشیدن به حکومت اسلامی مؤثر است و در واقع مردم در مقام مقبولیت، عینیت بخشی و کارآمدی به حکم. مت اسلامی نقشی اساسی دارند. این امر از آن رو است که حاکمیت دین در نظام اسلامی نیازمند حضور مردم و اتحاد مردم بر محور حق است. مردم بوسیله ی قبول دین در گام اول و پذیرش ولایت ولی الهی در گام بعد موجبات اجرای دستورات الهی و حاکمیت اسلام در جامعه را پدید می‌آورند. بنابراین اگر مردم در عرصه ی پذیرش حکومت وارد نگردند حتی امام معصوم نیز در تحقق حکومت اسلامی موفق نخواهد بود و حکومت اسلامی هیچ گاه بدون خواست و ارده ی مردم محقق نمی‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۸۳). لذا می‌توان گفت که مردم همان گونه که از جایگاه بالایی در دین اسلام برخوردارند و مردم هستند که با اراده ی خود دموکراسی دینی و اسلامی را فعلیت می‌بخشند همین مردم نیز می‌توانند با مشارکت فعال خود به مقوله ی تحزب رنگ و لعاب اسلامی دهند و جامعه را از وجود یک ساختار حزبی اسلامی برخوردار سازند.



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال سوم  
شماره دهم  
زمستان ۱۳۹۵



## رہیافت های متعارض در انطباق پذیری آموزه های دینی و تحزب

در اینجا برای رفع تعارضات پیش آمده در باب مسئله ی تحزب و جایگاه آن در اسلام به بررسی رہیافت های موجود می پردازیم و سپس تبیین خواهیم کرد که کدام رہیافت از نظر شریعت اسلامی قابل دفاع خواهد بود:

### امتناع مبانی فقهی و کلامی تحزب

بر اساس این نگرش، تحزب هیچ گونه مبانی کلامی و فقهی ندارد؛ چرا که تحزب در درون نظام سیاسی دموکراتیک معنا دارد. این نظام بر تجدید دائمی مشروعیت رهبری سیاسی از طرف ملت و پردازش کاملاً آزادانه ی اراده ها و عزم های سیاسی در جامعه استوار است. بر این اساس، احزاب نقش اجتناب ناپذیر حلقه ی واسط مشروعیت میان رهبری سیاسی و ملت را ایفا می کند و افزون بر آن، تنوع و تعدد حزبی توأم با وجود فرصت های برابر جهت اتخاذ برنامه های سیاسی شرط اصلی امکان حاکمیت ملت و بهره مندی از حق تصمیم گیری در هر جامعه ای است. در حالی که در عصر پیامبر اکرم (ص)، در حجاز، نه نظام سیاسی دموکراتیک بر مبنای حق حاکمیت ملت و آزادی و مساوات تمام انسانها در حقوق سیاسی و اجتماعی وجود داشته است و نه نظام چند حزبی. این مسئله از نظر تاریخی قابل انکار نیست که این رژیم سیاسی مبانی و ساختار دیگری داشته است. مشروعیت آن هم با شخص پیامبر (ص) به عنوان فرستاده ی خداوند بوده است. بنابراین، نمی توان انتظار داشت که در کتاب و سنت، مبنایی برای تحزب وجود داشته باشد. اما در عین حال، چون در کتاب و سنت، مسلمانان از تأسیس نظام دموکراتیک و اجتهادهای جدید که لازمه ی آن است، منع نشده اند، مسلمانان می توانند در عصر حاضر به تأسیس نظام دموکراتیک سیاسی اقدام کرده و نظام چند حزبی را که لازمه ی بقا و فعال بودن چنین نظامی است را بوجود آورند (براتعلی پور، ۱۳۸۹: ۴۴-۴۳).

خلافت اسلامی قرن ها بدون حاجت و اتکا به تحزب، قلمرو اسلامی را اداره کرده و تنها با اتکا به اجماع امت و طرد تفرقه و اختلاف، جامعه ی اسلامی را به پیش برد. در این زمینه احادیثی مانند ((همه در آتشند مگر جماعت)) و روایاتی که

جایگاه تحزب

در اسلام

(۳۲ تا ۳۷)

رقابت گروهی و طرح و تبلیغ اشخاص را (چنانچه در انتخابات معمول است) نکوهش می کنند، قابل بحث و استناد است (مطبعه چی، ۱۳۷۸: ۳۲۲).

### فقد ادله ی دینی؛ استلزام تمسک به روش منطقه الفراقی

این رهیافت با نشان دادن اینکه اساساً حزب در قرآن به طور عموم در وجه دینی آن استفاده شده و با وام گیری از سازوکار فقهی منطقه الفراق نتیجه می گیرد که حزب به عنوان یک ((روش)) در سازماندهی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مسلمانان یک روش منطقه الفراقی است. بر این اساس، این رهیافت در تجزیه و تحلیل آیات حاوی واژگان حزب، حزبه و حزبین اینگونه باور دارد که:

**اولاً:** بجز آیه ی دوازده سوره ی کهف که واژه ی حزبین، همچون جمع تنبیه، به یک مورد تاریخی و نوعی اختلاف محاسباتی در باب ایامی که اصحاب کهف در غار به سر برده اند، بر می گردند، دیگر موارد همگی بدون استثنا از جوهر و اشارات ((دینی)) برخوردارند.

**ثانیاً:** هیچ یک از آیات مطلق حزب را مورد سرزنش قرار نداده اند بلکه این مصادیق و کیفیت حزب است که مورد مذمت قرار گرفته است.

**ثالثاً:** با توجه به بند اول نتیجه گیری یعنی مفاد دینی واژه ی حزب در آیات قرآن، تأکید بر حفظ همبستگی مسلمانان همچون اعضای یک دین در قبال دیگر احزاب اهل کتاب که دچار تفوق جویی دینی به ضرر هویت واحد دین برآمده اند و با مشرکان که نقش پرستش دین را با شرک آلوده اند، در ترکیب حزب الله مورد تأکید قرار گرفته است.

**رابعاً:** آیات مورد نظر، در نفی حزب که مراد از آن سازماندهی سیاسی - اجتماعی، اقتصادی داخلی مسلمانان باشد ساکت است. (براتعلی پور، ۱۳۸۹: ۴۹ - ۴۸).

اجتهاد فقهی شیعه بر مبنای شیوه و روش عقلایی خویش واجد این قابلیت است که حتی در صورت عدم کشف سوابق قرآنی و روایی تحزب به معنای امروز، به این پدیده به عنوان امری جدید و مستحدثه و موضوعی که جزو ((منطقه الفراغ



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست

سال سوم  
شماره دهم  
زمستان ۱۳۹۵

بوده)) و نص شرعی پیرامون آن نیامده، نگریسته و بر مبنای ملاک های عقلی و فقهی حکم به تجویز آن می دهد (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸: ۸۶).

### **تلاش برای برقراری رابطه ی این همانی میان تحزب و عناصری از فرهنگ سیاسی اسلام**

این رهیافت در صدد است تا هر مفهوم و پرسشی را با بهره گیری و استناد به شواهد روایی و تاریخی تبیین کرده و پاسخ دهد. با بیان نمونه هایی از حزب در تاریخ صدر اسلام چون حزب نفاق و منافقان، حزب اموی، حزب مثلث ابوبکر، حزب انصار، حزب مهاجران، حزب تشیع، حزب به مفهوم امروزی را قابل انطباق بر همسویی ها و تشکل های سیاسی در صدر اسلام می داند. لکن احزاب سیاسی در غرب، سرشت و عناصر اساسی خود را از گذشته ی تاریخی به ارث برده است (براتعلی پور، ۱۳۸۹: ۶۱-۶۰).

اصول چهارگانه ای که نشان از رابطه ی این همانی میان تحزب و عناصری از آموزه های سیاسی اسلام دارد:

#### **اصل عدم تکلیف - عدم ولایت**

فقه سیاسی شیعه در عین حال که ولایت محور است اما با توجه به مبنای عقلی که اساس روش شناختی آن را تشکیل می دهد، به اصل اولی آزادی و عدم تکلیف و بنابراین، عدم ولایت استوار است. به جز معدودی از نویسندگان شیعه که با تکیه بر اصل حق الطاعه در جست و جوی تعمیم اولی تکلیف و تبعاً ولایت بوده و آن گاه موارد مستثنی از تکلیف را نیاز به دلیل می دانند، سیمای عمومی فقه شیعه بر اصل آزادی و عدم تکلیف (خواه برائت عقلی یا شرعی) استوار است. فقه سیاسی شیعه از اصل آزادی شروع می کند شرعی بودن سیاست در فقه سیاسی شیعه مساوی عدم مخالفت با مصرحات قرآن و سنت دانسته شده است. (فیرحی، ۱۳۷۷: ۳۰۵).

#### **اصل خطاپذیری و عدم تصویب**

برخی از اهل سنت به عدم خطاپذیری و در نتیجه، تصویب باور دارند. این

جایگاه تحزب  
در اسلام  
(۳۲ تا ۳۷)

اصل بدان معناست که خداوند به تعداد آرای مجتهدین حکم شرعی دارد و هر آنچه که با اجتهاد حاصل شود، همان حکم خداوند خواهد بود. در مقابل، شیعیان به خطا پذیری در احکام شرعی عقیده دارند و چنین می اندیشند که خداوند در هر مسئله ای تنها یک حکم دارد که ممکن است مجتهد به آن برسد یا به رغم بهره گیری از روش شناسی فقهی بدان نایل نگردد. شیعه با خطا پذیر دانستن عقل عملی و قرار دادن آن در مقدمات احکام سیاست شرعی، لاجرم به خطا پذیری ذاتی تصمیمات سیاسی توسط حاکمان مجتهد نیز حکم می کند (سجادی، ۱۳۸۲: ۷۲).

### ضرورت حزب از باب مقدمه ی واجب

بنابر نظریه ی ولایت فقیه، اگر تأسیس و حفظ مصالح چنین نظامی، به عنوان یگانه نظام مشروع شیعه در دوره ی غیبت از مهم ترین واجبات است، احزاب سیاسی به دو دلیل مهم، می توانند نقش مؤثری در این فرآیند ایفا کنند. در نظریه ولایت فقیه، دو ویژگی اساسی نهفته است که خواه در نظریه ی نصب یا انتخاب، میدان وسیعی را برای فعالیت های عرفی و عقلایی، و به منظور تمهید مقدمات استقرار فقیه حاکم تدارک می نماید؛

نخست اینکه، در این نظریه، فقیه حاکم هرگز تعیین شخصی ندارد؛ بلکه بر وصف عنوانی ((فقیه)) یا ((فقیه جامع الشرایط)) اکتفا شده است.

دوم اینکه فقیهان مورد اشاره در این نظریه، عملاً تعدد و تکثر دارند و بالقوه در تصدی منصب ولایت، رقابت خواهد بود. احزاب سیاسی، به عنوان مقدمه ی واجب، در شناسایی و معرفی مواضع نظری و سیاسی فقیهان موضوع این نظریه از یک سو، و نیز بسیج مردم در شرکت در انتخابات و تعیین و تشخیص مستقیم یا غیر مستقیم از سوی دیگر، کارکردهای مهمی را می توانند به عهده بگیرند. (براتعلی پور، ۱۳۸۹: ۶۴-۶۳).

در احکام فقهی از قاعده ی وجوب مقدمه ی واجب زیاد استفاده می شود؛ به عنوان نمونه اگر نماز واجب است مقدمات آن نیز همانند وضو، به عنوان مقدمه ی واجب دارای وجوب است. از این اصل نیز می توان استفاده کرد که امروزه بسیاری از واجبات و تکالیف و مسئولیت های سیاسی فردی و جمعی در نظام سیاسی



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست

سال سوم  
شماره دهم  
زمستان ۱۳۹۵

اسلامی جهت تحقق، نیاز به نوعی مشارکت ساختارمند و نهادینه مانند تحزب دارند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸: ۳۰).

جامعه اسلامی جامعه ای نیست که حکومت در آن منحصراً در اختیار حزب ها باشد. زیرا احزاب در همه ی جوامع و کشورها نمی توانند تمامی مردم یک جامعه و کشور را به خود جذب کنند و معمولاً بخشی از مردم در احزاب عضو می شوند. از طرفی در اسلام، حکومت، منتخب مردم است. یعنی حق همگی مردم است که حاکمان خود را با آزادی انتخاب کنند و امور اداره جامعه را به نمایندگی از خود به آنها بسپارند. لذا نمی شود در اداره ی حکومت، حق مردم را که می خواهند منفرد باشند و عضو احزاب نشوند، از آنها سلب کرد و اجبار کرد که فقط احزاب هستند که می توانند در هر انتخابات، افراد را به مردم معرفی کنند و نظام حکومتی در اختیار حزب قرار گیرد (براتعلی پور، ۱۳۸۹: ۱۹۰).

#### بهره گیری از مفهوم عدل در آزادی فردی یا جامعه ی آزاد

کلام سیاسی شیعه با تأسیس اصل اساسی عدل در سیاست، یعنی امامت و عدل، راه میانه ای را در تمایز با دو گرایش افراطی معتزله و جبرگرایی سیاسی تمهید می کند. و بدین سان، تعریف خاصی از آزادی سیاسی و طبعاً مرزهای فعالیت احزاب سیاسی ارائه می دهد. در این معنا سرنوشت اجتماع انسانی به اختیار و انتخاب او واگذار شده و کسی حق ندارد این حق را از او سلب کند، زیرا این حق بر اساس حق طبیعی امری طبیعی و ذاتی تلقی می گردد.

#### موافقت مشروط

صاحبان این دیدگاه، به طور خلاصه، با در نظر گرفتن آفات موجود در کارکردهای احزاب و از طرفی فواید تحزب، کفه ی ابعاد مثبت تحزب را بر کفه ی ابعاد منفی مرجح می دانند و معتقدند تنها به لحاظ شرایطی، احزاب از دیدگاه اسلام دارای مشروعیت و صحت عمل هستند. صاحبان این دیدگاه بر اساس قواعد «الضرورات تبيح المحظورات» و «دفع افسد به فاسد»، حکم به مشروطیت عملکرد احزاب می دهند. از این منظر، احزاب و تحزب در نظام های سیاسی و با توجه به

جایگاه تحزب

در اسلام  
(۳۲ تا ۳۷)

تألی فاسدهای حکومت فردی و استبدادی یک ضرورت هستند. از طرفی چون آموزه های شریعت و مبانی اسلام ضمن تأکید بر وحدت ملی و جلوگیری از تنازع و تفرقه های سیاسی که منشأ تضعیف ملت و امنیت کشور می گردد و همچنین نفی هر گونه فریبکاری و ارزش نهادن به آزادی و کرامت انسان، بر جلوگیری از رکود سیاسی و مشارکت سیاسی مردم با سازوکارهای مختلف، از جمله امر به معروف و نهی از منکر، حق انتقاد، حقوق متقابل حاکم اسلامی و ملت، نظارت قانونی ملت بر عملکرد هیئت حاکمه و غیره تأکید فراوان کرده است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸: ۳۸). بنابراین فعالیت احزاب و تشکل های سیاسی در جامعه ی اسلامی مشروط به امور ذیل است:

۱. احزاب سیاسی به اصول عقاید اسلامی و احکام ارزش های شریعت ایمان داشته باشند و بر اساس آیاتی مانند (آل عمران، ۸۵) نباید از آموزه های اسلام عدول کنند.

۲. همکاری و مودت احزاب و گروه های سیاسی در جامعه ی اسلامی با گروه ها و جمعیت های غیراسلامی بر پایه ی آیات الهی جایز نیست.

۳. مبارزه ی احزاب و گروه های سیاسی اسلامی با اندیشه ها و گروه هایی که در راستای دور کردن اسلام از عرصه ی زندگی سیاسی و اجتماعی تلاش می کنند و در صدد جریان سازی احکام و قوانین سکولار در جامعه ی دینی هستند، بنا به آیات الهی امری ضروری است.

۴. اعتقاد احزاب به حاکمیت خداوند متعال و نیز اطاعت از حاکم اسلامی که شرایط حاکمیت دینی از جمله عدالت، علم، تقوا، مدیریت و... را داراست بر اساس آیه ی «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم» (نساء، ۵۹) لازم است.

۵. نظارت و مراقبت مستمر احزاب بر عدم مخالفت احکام و تصمیم گیری های سیاسی با شریعت اسلام نیز از شرایطی است که آیه ی ۷۵ سوره ی بقره بر آن تأکید دارد.

امام خمینی با پذیرش و مفروض انگاشتن اصل آزادی احزاب، زمینه ای را فراهم آورد که گروه ها و سلايق گوناگون بتوانند در درون نظام جمهوری اسلامی



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال سوم  
شماره دهم  
زمستان ۱۳۹۵

به گونه ای مشروط به فعالیت پردازند که اهم این شرایط بدین شرح اند: رعایت چارچوب قوانین دینی و رعایت مصالح و قوانین کشور در فکر و آرا و در رویه های عملی، عدم برخورد مسلحانه با نظام سیاسی اسلامی، بیان انتقاد و دوری از توطئه، عدم وابستگی به قدرت های بیگانه، برخورداری از پذیرش و حمایت مردم و سازگاری با انسجام و همبستگی ملی و اجتماعی (ورعی، ۱۳۷۸: ۳۰۱).

به نظر می رسد با توجه به تبیین مسئله ی مورد نظر در رابطه با اینکه کدام یک از این رهیافت ها به موازین اسلامی نزدیک تر است رهیافت موافقت مشروط بیشتر پذیرفتنی است. چرا که نسبت به بقیه رهیافت ها و دیدگاه های مطرح شده صریح تر در مورد فواید و معایب حزب گرایی در یک جامعه ی اسلامی بحث کرده است

## نتیجه

حزب، و تشکل های سیاسی که امروزه غرب آنها را از ابداعات و حاصل اندیشه ای خود می داند، و معتقد هستند که در اسلام این مفاهیم نه ریشه ی دینی و فقهی دارند و نه هم نسبت به آنها موضع گیری خاصی داشته، چرا که نمی توان مصداقی از عملی کردن حزب و تکثر در اسلام یافت. اما در این پژوهش نشان داده شد که اسلام برنامه ای فرا گیر و در بر گیرنده تمام جوانب زندگی انسان است و تغییرات زمان و مکان را مورد توجه قرار میدهد و از صفت جاودانگی برخوردار است. دین اسلام در برخی از موارد به خصوص در مورد قضایای مربوط به سیستم سیاسی، گرچه به بیان اصول و مقاصد کلی آنها اکتفا کرده است، اما جزئیات و روشهای تطبیقی و عملی ساختن آنها را که تحول پذیرند، به عقل و اندیشه انسانها واگذار نموده است تا انسانها با استفاده از دانش و آگاهی و تجربیات خود و به فراخور شرایط زمان و مکان، راههای عملی ساختن آن اصول را بیابند و برای آن برنامه ریزی نمایند.

اسلام مقرر داشته است که منشاء قدرت سیاسی جامعه، مردم می باشند و آنها هستند که قدرت را به عده ای اعطاء کرده اند، به این معنی که حق عزل و نصب و نظارت بر کارگزاران دولت را دارند و این مطلب در نظام سیاسی اسلام یک اصل

اساسی می باشد که کاملاً مسلّم و تردید ناپذیر است، که این خود نشان از توجه اسلام به وجود تکثر در جامعه دارد. نظام سیاسی اسلام می تواند از ابزار دموکراسی کاملاً استفاده نماید و با اسلوبی نوین و در عین حال با حفظ جنبه اسلامی و الهی آن، اصول کلی و جاودانه ساختار سیاسی را در عمل پیاده سازد.

لذا، با توجه به مطالب این پژوهش می توان گفت که دین اسلام نه تنها در مورد کلمه ی حزب سکوت نکرده، بلکه با ارجاع به آیات قرآن و کتاب نهج البلاغه مشاهده شد که تحزب در اسلام با داشتن ریشه ی فقهی و دینی، پذیرفته شده است. یک حزب باید در کشور اسلامی موازین اسلامی را رعایت کند و در چارچوبی که ایدئولوژی اسلامی طراحی کرده کار کند، نه آنگونه که مد نظر کشورهای غربی هست.



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست

سال سوم

شماره دهم

زمستان ۱۳۹۵



## منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- ابن اثیر (۱۳۸۵)، الکامل فی التاریخ، بیروت: بی نام.
- ابواسحاق ابراهیم بن محمد (۱۳۷۱)، الغارات؛ ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۸)، علل ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران.
- اخوان کاظمی، بهرام؛ (۱۳۸۸) حزب و تحزب در اندیشه اسلامی، **مطالعات اسلامی: فقه و اصول**، شماره ۱/۸۲.
- امام خمینی (۱۳۴۸)، ولایت فقیه: تشکیل حکومت اسلامی.
- بادام چیان، (۱۳۸۸)، آنچه درباره ی حزب و تشکل باید بدانیم، تهران: اندیشه ی ناب.
- براتعلی پور، مهدی، (۱۳۸۹)، بازخوانی آموزه های اسلام شیعی و مسأله تحزب، تهران: نشر عروج.
- بهروز لک، غلامرضا، شفایی، امان الله (۱۳۹۰) "آموزه های انسجام جوامع چند فرهنگی در اندیشه ی سیاسی اسلامی"، **فصلنامه ی علوم سیاسی**، شماره ی ۵۶.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، ولایت فقیه، نشر: اسرا.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶)، نسبت دین و دنیا: بررسی و نقد نظریه سکولاریسم، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ چهارم.
- حقیقت، (۱۳۷۷)، جایگاه بحث احزاب در اندیشه سیاسی اسلامی، **نشریه علوم سیاسی**، شماره ۳.
- دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور، (۱۳۷۸)، مجموعه مقالات تحزب و توسعه سیاسی، تهران: همشهری.
- رشیدی، بهروز (۱۳۸۷)، احزاب سیاسی و همبستگی ملی، **مجلس و پژوهش**، شماره ی (۵۷).

جایگاه تحزب  
در اسلام  
(۳۲ تا ۳۷)

- سجادی، عبدالقیوم (۱۳۸۲)، مبنی تحزب در اندیشه ی سیاسی اسلام، قم: مؤسسه ی بوستان کتاب قم.
- صداقت، قاسم علی (۱۳۸۷)، تحزب و مبانی آن در فقه سیاسی شیعه، ادیان، مذاهب و عرفان: معرفت، شماره (۲۵).
- صلاحی، سهراب، فتاحی زفرقندی، علی (۱۳۹۲)، جایگاه مردم در تشکیل حکومت اسلامی، فصلنامه بررسی های حقوق عمومی، شماره ی (۱).
- امیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۶۷)، فقه سیاسی، تهران: امیرکبیر، چاپ دوم.
- امیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۷۷)، ابعاد فقهی مشارکت سیاسی (مجموعه مقالات مشارکت سیاسی)، به اهتمام علی اکبر علیخانی، تهران: انتشارت سفیر.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۳) بیعت پیش از دموکراسی، مجله ی زمانه، شماره ی ۲۴، صص ۷۸ - ۷۳.
- فیرحی، داوود، (۱۳۷۷)، مبانی آزادی و حزب در مذهب شیعه، فصلنامه ی علوم سیاسی، شماره ی ۳.
- کلاتری، ابراهیم و دیگران، (۱۳۹۰)، درآمدی بر مبانی مشارکت در اندیشه ی سیاسی اسلام، فصلنامه ی علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ی ۲۶.
- مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۷۶) حقوق و سیاست در قرآن، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- مطبوعه چی، مصطفی، (۱۳۷۸)، تحزب از دیدگاه یک اندیشمند مسلمان عرب (مندرج در احزاب سیاسی در ایران)، قم: بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، (۱۳۷۷) پیام قرآن، جلد ۱۰، تهران: دارالکتب اسلامی.
- موسوی، سید محمد؛ (۱۳۸۲)، نظام سیاسی و دولت در اسلام، قزوین: حدیث امروز.
- ورعی، سیدجواد (۱۳۷۸)، تأملی در گسترش احزاب سیاسی، امام خمینی و حکومت اسلامی، جلد ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست

سال سوم  
شماره دهم  
زمستان ۱۳۹۵